

بررسی اسراف و تبذیر در آیات و روایات

نویسنده: خادم حسین صالحی. ۱۳۹۲

چکیده

این پژوهش مصادیق و آثار اسراف را بر اساس آیات و روایات بررسی می‌کند که از دیر زمانی جوامع بشری به بیماری خطرناک اسراف و تبذیر گرفتار شده‌اند؛ و درمان این بیماری، نیاز به آشنا نمودن جامعه بشری به مکتب اسلام ناب محمدی (ص) (که بر اساس عقل، آیات، سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام استوار است) دارد.

نتایج که از این تحقیق حاصل گردیده، از این قرار است: اسراف به معنای، تجاوز از حد و زیاده‌روی و... آمده است. تبذیر به معنای اتلاف مال و زیاده‌روی در انفاق است. تفاوت میان اسراف تبذیر، در اسراف زیاده‌روی بدون تضييع مال است، در تبذیر زیاده‌روی همراه با تضييع مال است. اسراف در قرآن، به زیاده‌روی در معصیت، در انفاق، در خوردن و کار، آمده است. اسراف در روایات، به هر نوع زیاده‌روی و ضرر مالی و جانی گفته می‌شود. اسراف بر دو قسم مالی و غیر مالی تقسیم می‌شود. اوصاف اسراف کاران: اسراف کاران، در تشخیص ناتوانند، اهل فسادند، منافقند، معصیت کارند، شیطان صفتند، تکذیب کننده انبیا اند و به باطل فخر می‌کنند. آثار مادی اسراف عبارتند از: زیان‌های جسمی، فقر، کاهش برکت، هلاکت و غفلت قلب. آثار معنوی اسراف عبارتند از: خشم خدا، محرومیت از هدایت، ضلالت و گمراهی، حقارت در نزد خدا و سلب اجابت دعا. عوامل اسراف گرای عبارتند از: جهل، تفاخر، فساد اخلاقی. درمان اسراف گرای عبارتند از: آموزش دانش دینی در جامعه، تقویت ایمان مردم به خدا و آموزش اخلاق اسلامی در جامعه.

کلید واژه

مفهوم اسراف، انواع اسراف، اوصاف اسراف کاران، آثار اسراف، عوامل اسراف گرای و در مان اسراف گرای.

مقدمه

اسراف و تبذیر از جمله بیماری فردی و اجتماعی جوامع بشری است که از دیر زمان خانواده‌ها و جوامع به آن مبتلا بوده اند؛ و پیشرفت علمی بشر نه تنها در صدد درمان این بیماری نیست بلکه به خاطر منافع شیطانی خود در صدد افزایش و اشاعه این بیماری است. اسلام که دین جامع است، برای همه زوایای زندگی بشر برنامه دارد، تعادل در همه امور را به پیروان خود توصیه می‌نماید؛ و اسراف، زیاده‌روی و ضایع نمودن نعمت‌ها را که آثار بسیار مخرب مادی و معنوی دارد، که باعث فقر و ضلالت و گمراهی و هلاکت جامعه می‌شود، حرام و ناروا می‌داند، که در آیات و روایت متعدد به آن اشاره شده است. بنابراین، بنده بر آن شدم که مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی اسراف و تبذیر در آیات و روایات» در اختیار تشنگان علم و فضلت قرار دهم. از خداوند مهربان عاجزانه مسألت دارم که این عمل کوچک را از این جانب بی‌پذیرد.

سوالات تحقیق

- الف. اسراف و تبذیر چیست؟
- ب. آثار مادی و معنوی اسراف چیست؟
- ج. اسراف کاران دارای چه اوصاف است؟
- د. علل روی آوردن انسان‌ها به اسراف گرای چیست؟

روش تحقیق

این پژوهش با رویکردی اخلاقی، اجتماعی و تربیتی، در آیات و روایات معصومین (ع)، با روش توصیفی، تحلیلی و کتابخانه‌ای است. که هنگام تبیین مطالب، اقدام به فیش برداری و موضوع بندی و تنظیم آن گردیده است. منابع مورد استفاده: قرآن کریم، تفاسیر و کتب روای معتبر بوده است، که در بخش منابع درج شده است.

۱- مفهوم اسراف و تبذیر

الف. اسراف در لغت

اسراف از ریشه سرف به معنای «هر کار و عملی را که انسان انجام می‌دهد و از حد و اندازه خود تجاوز و زیاده‌روی کند آن اسراف است، هر چند که در مورد انفاق یعنی بخشش (که به کار رفتنش نهی شده) مشهورتر است»^(۱). «هرگونه زیاده‌روی و تجاوز از حد اعتدال و گرایش به سوی افراط اسراف است»^(۲). «السَّرْفُ: تجاوز الحدِّ فی کلِّ فعل یفعله الإنسان، و إن کان ذلک فی الإنفاق أشهر»^(۳). اسراف به معنای تجاوز کردن از حد در هر کاری است که از انسان سر بزند. گرچه کاربرد آن در هزینه کردن مال بیشتر است. «الإسراف الصرف زیادة علی ما ینبغی»^(۴). اسراف، صرف نمودن مال بیش از اندازه‌ی است که صرف آن روا و سزاوار شناخته شده است.

ب. اسراف در قرآن

باید توجه داشت که: اسراف در لغت، معنی وسیعی دارد که هر گونه زیاده‌روی و تعدی از حد را شامل می‌شود ولی در قرآن در موارد ذیل به کار رفته است، «زیاده‌روی در معصیت»^(۵). «زیاده‌روی در انفاق»^(۶). «زیاده‌روی در خوردن و آشامیدن»^(۷). «زیاده‌روی در کار»^(۸).

ج. اسراف در روایات

در روایات هر نوع زیاده‌روی و ضرر مالی و جانی، از اسراف دانسته شده است، چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید: «كُلُّ مَا زَادَ عَلَى الْاِقْتِصَادِ إِسْرَافٌ»^(۱)؛ هر چه از حدّ میانه روی بگذرد اسراف است. امام علی (ع)

^۱ - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴). مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم. تهران: مرتضوی.

^۲ - ابن منظور، محمد بن مکرم، (؟). لسان العرب، ج ۹، ص ۱۴۸. چاپ سوم: بیروت: دار صادر.

^۳ - مصطفوی، حسن، (؟). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۵، ص ۱۰۹. چاپ سوم بیروت-قاهره-لندن: دار الکتب العلمیة - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

^۴ - طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵). مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۱۷. چاپ سوم. تهران: مرتضوی.

^۵ - طه ۱۲۷ / مائده ۳۲ / اعراف ۸۱ / یونس ۱۲ / انبیاء ۹ / یس ۱۹ / زمر ۵۳ / غافر ۲۸.

^۶ - فرقان، (۲۵)، آیه ۶۷.

^۷ - اعراف ۳۱ / نساء ۶ / انعام ۱۴۱.

^۸ - اسراء ۳۳ / آل عمران ۱۴۷.

در سخن دیگر می‌فرماید: «مَا فَوْقَ الْكَفَافِ إِسْرَافٌ»^(۲)؛ آنچه بیش از حد کفاف باشد اسراف است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّمَا الْإِسْرَافُ فِيمَا أَفْسَدَ الْمَالَ وَأَضَرَ بِالْبَدَنِ»^(۳)، ضرر زدن به مال یا بدن، اسراف است.

د. تبذیر در لغت

تبذیر از ماده «بذر» به معنای «اتلاف مال و زیاده‌روی در انفاق است»^(۴). التَّبذِيرُ، یعنی تفریق و پخش کردن چیزی، اصلش از ریختن و پاشیدن بذر است که به طور استعاره در باره کسی که مال خود را بیهوده پخش و توزیع می‌کند، بکار رفته است،^(۵). تبذیر، پراکندن مال از روی اسراف است و ریشه آن پاشیدن بذر است،^(۶). مبذرین کسانی هستند که در خرج کردن، تبذیر و زیاده‌روی می‌کنند و مال را در غیر آنچه خدا حلال و جایز دانسته مصرف می‌کنند،^(۷).

فرق میان اسراف و تبذیر

تفاوت میان تبذیر و اسراف در این است که اگر مال در مواردی سزاوار نیست مصرف شود تبذیر است؛ چون معنای تبذیر تضییع مال است؛ ولی مصرف مال در مواردی که بیشتر از حد نیاز است، اسراف به شمار می‌رود؛ زیرا اسراف به معنای تجاوز از حد است .

حضرت آیه الله مکارم شیرازی در این باره می‌فرماید: در این که میان اسراف و تبذیر چه تفاوتی است، بحث روشنی در این زمینه از مفسران ندیده‌ایم، ولی با در نظر گرفتن ریشه این دو لغت، چنین به نظر می‌رسد که وقتی این دو در مقابل هم قرار گیرند، اسراف به معنی خارج شدن از حد اعتدال است بی آنکه چیزی را ظاهراً ضایع کرده باشد، مثل این که ما لباس گران قیمتی بپوشیم که بهایش ده برابر لباس مورد نیاز ما باشد، و یا غذای

۱ - لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ش). عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ح ۶۳۶۸، ص ۳۷۶. چاپ اول. قم: دار الحدیث.

۲ - لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ (للیثی) ح ۸۷۲۳، ص ۴۷۶. چاپ اول. قم: دار الحدیث.

۳ - کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۴، ص ۵۴. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۴ - فراهیدی، خلیل بن احمد، (۹). کتاب العین. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.

۵ - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴ ش). مفردات الفاظ قرآن. چاپ دوم. تهران: مرتضوی.

۶ - طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۶ ق). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۶۳۳. بیروت: دار المعرفه.

۷ - طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ ش). مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۱۷. تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.

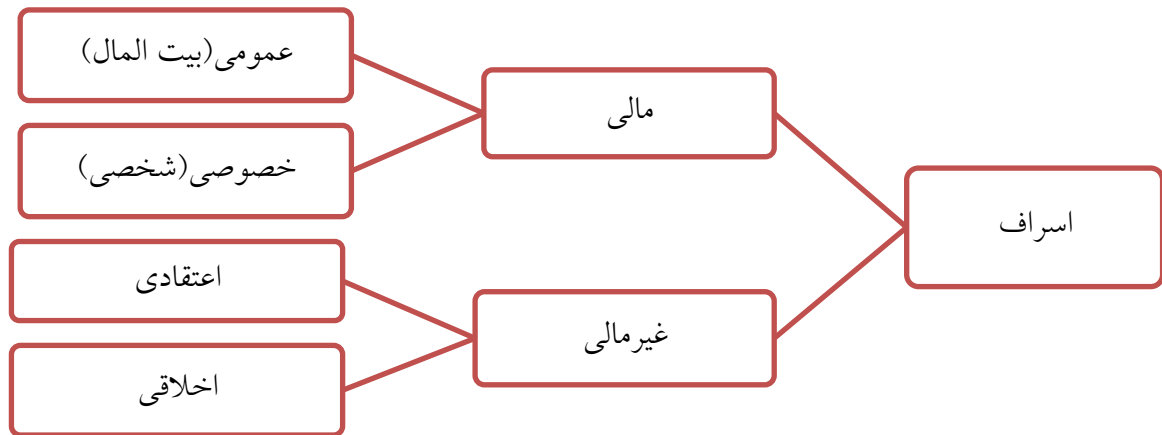
خود را آن چنان گران قیمت تهیه کنیم که با قیمت آن بتوان عدّه زیادی را تغذیه کرد؛ در این جا از حد گذرانده‌ایم ولی ظاهراً چیزی نابود نشده است.

اما تبذیر و ریخت و پاش آن است که آن چنان مصرف کنیم که به اتلاف و تضييع بینجامد؛ مثل این که برای دو نفر میهمان غذای ده نفر را تهیه بینیم، و باقی مانده را در زباله‌دان بریزیم و اتلاف کنیم آن گونه که بعضی از ثروتمندان می‌کنند.

ولی ناگفته نماند که گاه این دو کلمه در یک معنی به کار می‌رود و حتّی به عنوان تأکید پشت سر یکدیگر قرار می‌گیرند. «أَلَا وَ إِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ إِسْرَافٌ وَ هُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَ يَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ وَ يُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَ يَهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ» (۱)، آگاه باشید مال را در غیر مورد استحقاق صرف کردن تبذیر و اسراف است، ممکن است این عمل انسان را در دنیا بلند مرتبه کند اما مسلماً در آخرت پست و حقیر خواهد کرد؛ در نظر توده مردم ممکن است سبب اکرام گردد، اما در پیشگاه خدا موجب سقوط مقام انسان خواهد شد (۲).

۲. انواع اسراف

در یک تقسیم بندی کلی می‌توان اسراف را بر دو دسته اسراف در امور مالی و اسراف در امور غیر مالی تقسیم نمود. امور مالی خود بر دو قسم اموال عمومی (بیت المال) و اموال غیر عمومی (خصوصی) است. امور غیر مالی نیز خود بر دو قسم اعتقادی و اخلاقی است، که در نمودار ذیل نشان داده شده است.



^۱ شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه (للصّبحی صالح)، حکمت ۱۲۶، ص ۱۸۳. چاپ اول. قم: هجرت.

^۲ - مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۹۷. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۱- اسراف اعتقادی

اسراف در عقیده، در دو مورد متصور است: یکی، آن است که در مورد خودش یا دیگری، به چیزی که دروغ است، معتقد شود، چنانکه فرعون گفت: «وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي» (۱). فرعون گفت: ای بزرگان! جز خودم برای شما معبودی نمی‌شناسم. فرعون به دروغ ادعای خدای می‌کرد؛ و به همین جهت خدای سبحان در آیه دیگر او را از مسرفین می‌داند: «إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ» (۲). فرعون مردی متکبر و از اسراف کاران بود.

و دیگری، اینکه آنچه را که سزاوار تصدیق و اعتقاد است باور نکنند مانند اعتقاد به خدا، نبوت پیامبران الهی، امامت ائمه معصومین (ع) و معاد، چنانکه خدای سبحان می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى» (۳)؛ و این چنین جزا می‌دهیم کسی را که از حد بگذراند (اسراف کند) و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد و عذاب آخرت سخت است.

۲- اسراف اخلاقی

اسراف در حوزه اخلاق فردی و اجتماعی به این معناست که شخص صفاتی را در خود پدید آورد که وی را از حالت اعتدال و میانه روی بیرون برد. اسراف اخلاقی مصادیق متعدد دارد که در ذیل به بعضی آن‌ها اشاره می‌شوند:

الف. اسراف در شهوت: خدای سبحان در بیان احوال قوم لوط از زبان رسولش می‌فرماید: «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ» (۴). آری شما قومی (در فساد و بزه کاری) اسراف کارید. فرشتگان که برای مجازات قوم لوط فرستاده شده بود، آن قوم را اسراف کار خواندند: «مُسْرِفِينَ» (۵). آن سنگ‌ها نزد پروردگارت برای مسرفین نشان‌گذاری شده است.

ب. مطلق گناه اسراف است: در آیات مختلف قرآن در مورد تبهکاران و گناهکارانی که ظلم و فساد را از حد می‌گذراندند واژه [مصرف] به کار رفته است، و نیز به مطلق گناه اسراف گفته شده است چنانکه خدای سبحان

۱- قصص (۲۸)، آیه ۳۸.

۲- دخان، (۴۴)، آیه ۳۱.

۳- طه، (۲۰)؛ ۱۲۷.

۴- اعراف، (۷)، آیه ۸۱.

۵- ذاریات، (۵۱)، آیه ۳۴.

می‌فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ» (۱)، بگو ای بندگان من که بر خود اسراف کرده‌اید از رحمت خدا نومید نشوید. به صورت مطلق می‌فرماید که اسراف (معصیت) کرده‌اید، یعنی هر نوع اسراف معصیت است. امام صادق (ع) فرمود: «وَالْكِبَائِرُ مُحَرَّمَةٌ وَهِيَ... وَالْإِسْرَافُ وَالتَّبْذِيرُ» (۲). اسراف و تبذیر، از گناهان کبیره است.

ج. اسراف در قتل: طبق قوانین اسلام کسی که مظلوم کشته شود برای ولی مقتول اجازه‌ی تسلط بر قاتل داده شده است، که قصاص کند یا دیه بگیرد، یا عفو کند ولی حق ندارد که در مقابل یک مقتول بیش از یک نفر را بکشد، که در غیر این صورت اسراف است. چنانکه خدای سبحان می‌فرماید: «وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ» (۳)؛ و کسی که خونش به ناحق ریخته شود ما به ولی او حکومت و تسلط (بر قاتل) دادیم پس (در مقام انتقام) آن ولی در قتل و خونریزی اسراف نکند. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «وَالْإِسْرَافُ فِي الْقَتْلِ أَنْ تَقْتُلَ غَيْرَ قَاتِلِكَ فَقَدْ نَهَى اللَّهُ عَنْهُ وَ ذَلِكَ هُوَ الْعَشْمُ» (۴)، و اسراف در قتل آن است که غیر قاتل را به عوض قاتل بکشی، و این کار ستم است، خداوند ما را از آن نهی نموده است.

۳- اسراف مالی: زیاده‌روی بیش از اندازه در اتلاف و نابود کردن مال اسراف مالی است، چه اموال عمومی باشد مثل (بیت المال) و چه اموال خصوصی، در صورت که مال تلف شده دارای اهمیت باشد به طوری که در عرف تضييع مال به حساب آید. چنانکه خدای سبحان می‌فرماید: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا» (۵)؛ بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید؛ و در توصیف عباد الرحمان می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (۶)؛ (عباد الرحمان) کسانى اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجى می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، و میان این دو (روش) حد وسط را برمی‌گزینند.

^۱ - زمر، (۳۹)، آیه ۵۳.

^۲ - ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲ ش). النخصال، تحقیق: غفاری، علی اکبر، ج ۳، ص ۶۱۰. چاپ اول. قم: جامعه مدرسین.

^۳ - اسراء، (۱۷)، آیه ۳۳.

^۴ - نصر بن مزاحم، (۱۴۰۴ ق). وقعه صفین. تحقیق: هارون، عبدالسلام محمد، ص ۴. چاپ دوم. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

^۵ - اعراف، (۷)، آیه ۳۱.

^۶ - فرقان، (۲۵)، آیه ۶۷.

۳. اوصاف اسراف کاران

هر انسانی دارای صفاتی ست، که بعضی از صفات بین همه‌ای انسان‌ها مشترکند مثل ناطق بودن، ضاحک بودن، مستوی القامت بودن و... و بعضی مختص اند، به گروه خاص، مثل صفات متقین، صفات منافقین. برای شناخت و تمیز افراد باید صفات اختصاصی آن‌ها را مورد بررسی قرارداد، که در ذیل به بعضی از صفات اسراف کاران اشاره می‌شوند.

۱. در تشخیص ناتوانند

اسراف کاران در انتخاب غذا و وسائل مناسب به حالش ناتوانند، چنانکه امام علی (ع) فرمودند: «لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ» (۱). شخص اسراف کار سه نشانه دارد: می‌خورد آنچه را که در خور او نیست، می‌خرد آنچه را که شایسته او نیست، و می‌پوشد آنچه را که در شأن او نیست. خدای سبحان می‌فرماید: «كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۲)؛ اعمال زشت اسراف کاران این چنین در نظرشان زیبا جلوه داده شده است. یعنی معصیت، غفلت، کفران نعمت و اسراف باعث می‌شود که قوه‌ای در را که انسان ضعیف شود و در نتیجه اعمال زشت را زیبا و اعمال زیبا را زشت می‌بیند.

۲. اهل فسادند

اسراف کاران همان طور که مواد غذایی را بدون جهت از بین می‌برند و فاسد می‌کنند، اخلاق نیکو را فاسد می‌کنند و عقائد را فاسد می‌کنند. بنا بر این نباید از اهل اسراف الگو برداری نمود، و نباید از آنان در امور زندگی پیروی نمود؛ و در غیر این صورت هم اخلاق ما و هم اعتقادات ما فاسد می‌شود، چنانکه خدای سبحان می‌فرماید: «وَ لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ، الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُونَ» (۳)، و از رفتار رؤسای مسرف و ستمگر پیروی نکنید. که آن مردم در زمین همه گونه فساد می‌کنند و هیچ گونه به اصلاح نمی‌پردازند.

^۱ - ابن‌بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق). من لا يحضره الفقيه. تحقيق: غفاري، علي اكبر، ج ۳، ص ۱۶۷، چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

^۲ - یونس، (۱۰)، ۱۲.

^۳ - شعراء، (۲۶)، آیه ۱۵۱ و ۱۵۲.

۳. منافقند

یکی از صفات اهل نفاق اسراف کاری است، امام علی (ع) در این باره فرمودند: «وَأَحْذَرُكُمْ أَهْلَ النِّفَاقِ... وَإِنْ حَكَمُوا أُسْرَفُوا»^(۱)، شما را از اهل نفاق بر حذر می‌دارم... آن‌ها وقتی قضاوت می‌کنند اسراف می‌کنند. بنابراین همان طور که اهل نفاق اسراف کارند، اسراف کاران نیز اهل نفاقند، زیرا هر دو گروه در معصیت خدای سبحان؛ و اتلاف نعمت‌های الهی زیاده‌روی می‌کنند و باهم شریکند.

۴. معصیت کارند

با توجه به این که اسراف کاران مطیع خواسته‌های نفسانی خود است، و خود را از هر قید و بندی رها می‌بیند، و قوانین الهی را زیر پا می‌گذارند و دست بر هر معصیت و جنایت می‌زنند، از این روست که حضرت لوط (ع) روحیه اسراف کاری را عامل گناه و فحشای قومش دانسته: «إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ»^(۲)؛ شما از روی شهوت به جای زنان به مردان رو می‌کنید، بلکه شما گروهی اسراف پیشه‌اید. امام باقر (ع) فرمود: «المُسْرِفُونَ هُمُ الَّذِينَ يَسْتَحِلُّونَ الْمَحَارِمَ وَيَسْفِكُونَ الدِّمَاءَ»^(۳)؛ اسراف کاران کسانی هستند که محرمات الهی را حلال می‌کنند و خون می‌ریزند.

۵. شیطان صفتند

اسراف کنندگان، در معصیت، شرارت، کفران نعمت و اتلاف اموال همراه و هم مسیر شیطانند، و لذا خدای سبحان در مذمت آن‌ها می‌فرماید: «إِنَّ الْمُبْذَرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا»^(۴)؛ مسلمانان اسراف کنندگان برادران شیاطین بوده و می‌باشند؛ و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است. شیطان، هم خودش بر اثر تکبر و ناسپاسی نسبت به پروردگارش از حد اعتدال خارج شد؛ و هم به شیوه‌های گوناگونی تلاش می‌کند که آدمی را از صراط اعتدال و میانه روی، که صراط حق است خارج کند. اسراف

^۱ - شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه (للصباحی صالح)، خطبه ۱۹۴، ص ۳۰۷. چاپ اول. قم: نشر هجرت.

^۲ - اعراف، (۷)، آیه ۸۱.

^۳ فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ ق). تفسیر الصافی. تحقیق: اعلمی، حسین، ج ۳، ص ۳۱. چاپ دوم. تهران: مکتبه الصدر.

^۴ - اسراء، ()، آیه ۲۷.

کنندگان مثل شیطان هم خودش از حد اعتدال خارج شده است، و هم تلاش می‌کند که الگو و نمونه برای دیگران باشند؛ و دیگران را نیز از حد اعتدال و میانه روی خارج کنند.

۶. تکذیب کننده انبیا اند

با توجه به این که انبیا الهی اسراف را مذمت نموده اند، و این مذمت نمودن بر خلاف میل اسراف کاران است؛ و لذا اسراف کنندگان، برای رسیدن به امیال نفسانی خود، انبیا و رهبران الهی را تکذیب می‌کنند. خدای سبحان در این باره می‌فرماید: «واضرب لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ * إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا... * قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ» (۱)؛ داستان مردم آن قریه را برایشان بیاور، آن گاه که رسولان بدان جا آمدند، نخست دو تن را به نزد شان فرستادیم و تکذیبشان کردند... انبیا گفتند: فال بدتان مال خودتان اگر بفهمید بلکه شما مردمی اسراف کارید. «یعنی درد اصلی شما همان اسراف و تجاوزگری شما است، اگر توحید را انکار کرده، به شرک روی می‌آورید، دلیل آن اسراف و تجاوز از حق است، و اگر جامعه شما گرفتار سرنوشت شوم شده است سبب آن نیز اسراف در گناه و آلودگی به شهوات است، بالاخره اگر در برابر خیر خواهی خیر خواهان آن‌ها را تهدید به مرگ می‌کنید این نیز به خاطر تجاوزگری شما است»، (۲).

۷. به باطل فخر می‌کنند

اسراف کاران، به کارهای مضر و بی ارزش افتخار می‌کنند، از اینکه در خوردن و خوابیدن زیاده‌روی می‌کنند می‌نازند، از اینکه در فساد و معصیت زیاده‌روی می‌کنند می‌نازند؛ و لذا پیامبر اسلام (نشانه‌های افراد اسراف‌کاری این گونه بیان می‌کند: «أَمَّا عَلَامَةُ الْمُسْرِفِ فَأَرْبَعَةٌ: الْفَخْرُ بِالْبَاطِلِ وَيَأْكُلُ مَا لَيْسَ عِنْدَهُ وَيَزهدَ فِي إِصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ وَيُنْكِرُ مَنْ لَا يَنْتَفِعُ بِشَيْءٍ مِنْهُ» (۳)؛ شانه اسراف‌کار چهار چیز است: به کارهای باطل می‌نازد، آنچه را فراخور حالش نیست می‌خورد، در انجام کارهای خیر بی رغبت است و هر کس را که به او سودی نرساند، انکار می‌کند.

^۱ - یس، (۳۶)، آیه ۱۳-۱۹.

^۲ - مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۳۹. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

^۳ - ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ ق). تحف العقول. تحقیق: غفاری، علی اکبر، ص ۲۲. قم: جامعه مدرسین.

۴. آثار اسراف

به طور کلی آثار اسراف بر دو نوع مادی و معنوی متصویراست، که هر کدام دارای مصادیق است، که در ذیل به بعضی آن‌ها اشاره می‌شوند:

الف. آثار مادی:

۱. زیان‌های جسمی: زیاده‌روی در هر کاری مثل: خوردن و آشامیدن خوابیدن، سخن گفتن و... به جسم و روح انسان صدمات زیادی وارد می‌کند چنانکه خدای سبحان و ائمه معصومین (ع) در موارد متعدد از ضرر و زیان اسراف سخن گفته است: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا، إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (۱)؛ بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارد. زیرا اسراف‌کاران، با زیاده‌روی هم حقوق دیگران را تضییع می‌کنند، مخصوصاً اگر اسراف در اموال عمومی باشد که در این صورت ضرر مالی و جسمی نسبت به دیگران است، وهم ضرر مالی و جانی بر خود وارد می‌کنند، چون که بر اثر پرخوری دچار بیماری می‌شوند. امام علی (ع) در این باره چنین می‌فرماید: «الْمَعِدَةُ بَيْتُ الْأَدْوَاءِ وَالْحَمِيَّةُ رَأْسُ الدَّوَاءِ» (۲)؛ معده خانه همه بیماری‌ها است، و امساک سرآمد همه داروها است. امام علی (ع) فرمود: «مَنْ كَثَرَ أَكْلَهُ قَلَّتْ صِحَّتُهُ وَ تَقَلَّتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ مُتَوَتِّتَةً» (۳)، هر که خوراکش زیاد باشد، سلامتی‌اش کم باشد و بار زندگی بر دوش او سنگین شود. امام صادق (ع) در این باره فرموده است: «إِنَّمَا الْإِسْرَافُ فِيمَا أَفْسَدَ الْمَالُ وَ أَضَرَ بِالْبَدَنِ» (۴). از بین بردن و نابود کردن مال و ضرر زدن به بدن، اسراف است. یکی از مصادیق اسراف زیاده‌روی در خوردن و آشامیدن است، در علم طب ثابت شده است که پرخوری باعث امراض گوناگونی می‌شود مانند بیماری قند، چربی خون، تصلب شرایین، نارسایی‌های کبد و انواع سکته‌ها.

۱- اعراف، (۷)، آیه ۳۱.

۲- قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبه الله، (۱۴۰۷ ق). الدعوات (للاخوانی) سلوة الحزین، ص ۷۷. چاپ اول. قم: انتشارات مدرسه امام مهدی (عج).

۳- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶ ش). تصنیف غررالحکم و درر الکلم. تحقیق: درایتی، مصطفی، ح ۱۱۶۸، ص ۳۶۰. چاپ اول. تهران: دفتر تبلیغات.

۴- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۴، ص ۵۴. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب اسلامی.

۲. فقر: یک از مهم‌ترین اثر اسراف در امور زندگی، فقر است؛ زیرا اسراف کاران، با اتلاف منابع و نعمت‌های الهی موجب فقر می‌شود، چنانکه پیامبر اکرم (ص) فرمود: «مَنْ اقْتَصَدَ اغْنَاهُ اللَّهُ، وَ مَنْ بَدَّرَ افْقَرَهُ اللَّهُ»^(۱)، کسی که اعتدال در هزینه‌های زندگی را رعایت کند خدا او را بی‌نیاز می‌کند و کسی که اسراف و تبذیر کند فقیرش می‌سازد. امام علی (ع) فرمود: «الْقَصْدُ مَثْرَاءٌ، وَ السَّرْفُ مَتَوَاءٌ»^(۲)؛ اسراف موجب هلاکت است و میانه روی، مایه زیاد شدن ثروت. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «إِنَّ السَّرْفَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ إِنَّ الْقَصْدَ يُورِثُ الْغِنَى»^(۳)؛ بر استی که اسراف کاری، سرانجام فقر و تهیدستی به بار می‌آورد، و میانه‌روی در امر زندگی و معیشت توانگری و بی‌نیازی را موجب می‌شود. امام علی (ع) فرمود: «الْإِسْرَافُ يُفْنِي الْجَزِيلَ»^(۴)، اسراف ثروت زیاد را هم به فنا می‌دهد؛ و در سخن دیگر فرمود: «التَّبْذِيرُ قَرِينٌ مُفْلِسٌ»^(۵)، اسراف و زیاده‌روی قرین و همراه ورشکستگی است؛ و در سخن دیگر فرمود: «التَّبْذِيرُ عُنْوَانُ الْفَاقَةِ»^(۶)، ولخرجی نشانه و سرآغاز فقر و نیازمندی است. امام موسی کاظم (ع) می‌فرماید: «مَنْ بَدَّرَ وَ اسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ النُّعْمَةُ»^(۷)، کسی که ریخت و پاش و اسراف کند، نعمت از او زایل می‌شود.

ممکن است پرسیده شود که اسراف و تبذیر چگونه موجب فقر می‌شود، در صورتی که ما شاهد افراد و جوامعی هستیم که با وجود اسراف و تبذیرهای فراوان، در نعمت و رفاهند و اثر از فقر و نا داری در میان آن‌ها دیده نمی‌شوند.

پاسخ این است که: اولاً، اسراف و تبذیر جزئی از علت فقر است، نه تمام علت.

^۱ - ورام بن اَبی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ ق). مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۶۷. چاپ اول. قم: مکتبه فقیه.

^۲ - کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۴، ص ۵۲. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب اسلامی.

^۳ ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. تحقیق: غفاری، علی اکبر، ج ۳، ص ۱۷۴. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

^۴ - لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش). عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ح ۸۶۹، ص ۲۹. چاپ اول. قم: دار الحدیث.

^۵ لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش). عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، تحقیق: حسنی بیرجندی، حسین، ح ۴۴۳، ص ۲۹. چاپ اول. قم: دار الحدیث.

^۶ - همان، ح ۹۳۷، ص ۴۱.

^۷ - ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳ ش). تحف العقول، تحقیق: غفاری، علی اکبر، ص ۴۰۳. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین.

ثانیاً، اسراف و تبذیر در صورت موجب فقر می‌شوند که با عامل دیگری تعارض پیدا نکند؛ و یا عامل دیگر اثر اسراف و تبذیر را از بین نبرند. حضرت آیه الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه، می‌فرماید: «در اینکه، حسنات و سیئات، اجمالاً روی یکدیگر اثر متقابل دارند شکی نیست، و ما حتی نمونه‌های این موضوع را در زندگی روز مره خود می‌یابیم، گاه می‌شود که انسان سالیان دراز زحمت می‌کشد، و با تحمل مشقت فراوان سرمایه‌ای می‌اندوزد، اما با یک ندانم کاری یا هوس بازی، یا بی‌مبالاتی آن را از دست می‌دهد، این چیزی جز نابود کردن حسنات مادی سابق نیست که در قرآن از آن تعبیر به (حبط) شده است» (۱).

ثالثاً، فراوانی نعمت ممکن است از باب امتحان، یا از باب اتمام حجت و یا وسیله مجازات باشد، زیرا در بعض موارد فراوانی نعمت لطف خداوند نیست، بلکه فراوانی نعمت باعث غفلت و بی‌بندوباری می‌شود، و این جزئی از عذاب است؛ و از طرف گاهی فقر و کمی نعمت لطف خداوند است. خدای سبحان در این باره می‌فرماید: «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَا هُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ» (۲)؛ وقتی نصایح ما را به فراموشی سپردند، تمام درهای شادی و نعمت را به روی آن‌ها گشودیم تا به نعمت‌هایی که به آن‌ها داده شد خوشحال شدند ولی یکباره از آن‌ها گرفتیم که نومید شدند. یعنی به این صورت آن‌ها را مجازات می‌کند. امام علی (ع) می‌فرماید: «يَا ابْنَ آدَمَ إِذَا رَأَيْتَ رَبِّكَ سُبْحَانَهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ نِعْمَهُ وَ أَنْتَ تَعْصِيهِ فَأَخْذَرَهُ» (۳)؛ ای پسر آدم هرگاه دیدی نعمت الهی به سوی تو پیاپی فرا می‌رسد، در حالی که تو او را معصیت و نافرمانی می‌نمایی پس از (عذاب) او بر حذر باش. پیامبر اسلام (ص) فرمود: «إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ يُعْطِي عَلَى الْمَعَاصِي فَذَلِكَ اسْتِدْرَاجٌ» (۴)؛ هرگاه دیدی خداوند با وجود معصیت به تو نعمت می‌دهد، این از ناحیه او، استدراج به شمار می‌رود (۵). استدراج این است که خداوند به انسان و یا جامعه معصیت پیشه، فرصت کافی دهد و نعمت‌های خویش را از همه سو به جانب آنان گسیل دارد، تا آن گاه که فساد و بی‌بندوباری، تمامی زندگی آنان را فرا گرفت، ناگهان عذاب بی‌الهی، تمام زندگی او را احاطه می‌کند و از بین می‌برد؛ در طول تاریخ اقوام و جوامع بسیاری بودند که خداوند به جای نزول عذاب فوری و سلب نعمت از آنان، نعمتشان را

۱- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۹۶. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲- انعام، (۶)، آیه ۴۴.

۳- شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه (للصباحی صالح)، ح ۲۴، ص ۴۷۲. چاپ اول. قم: نشر هجرت.

۴- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۱۹۸. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۵- در نزد اهل لغت گفته‌اند استدراج دو معنی دارد، یکی اینکه چیزی را تدریجاً بگیرند؛ و معنی دیگر، استدراج، پیچیدن است، همان‌گونه که یک طومار را به هم می‌پیچند.

افزون کرده است و زمانی که آنان در معصیت و فساد غرق می‌شدند، ناگهان حادثه ای فوق تصور به فرمان الهی گاهی اموال و دارای آنان را و گاهی طومار زندگی آن‌ها را درهم پیچیده و نابود نموده است.

۳. **کاهش برکت:** اسراف باعث می‌شود برکت در زندگی انسان کم شود و در نهایت رخت بر بندد، امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ مَعَ الْإِسْرَافِ قَلَّةَ الْبِرِّكَةِ»^(۱)؛ با اسراف و زیاده‌روی، برکت اموال رو به کاهش می‌رود.

۴. **هلاکت:** اسراف از هر نوعی که باشد انسان را به نابودی می‌کشانند. قرآن مجید این حقیقت را چنین بیان می‌فرماید: «ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ»^(۲)؛ سپس وعده‌ای را که به آن‌ها داده بودیم وفا کردیم، آن‌ها و هر کس را می‌خواستیم (از چنگال دشمنانشان) نجات دادیم، و مسرفین را هلاک نمودیم. خدای سبحان درباره قوم لوط می‌فرماید: «مُسْوَمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ»^(۳)، [سنگی که] نزد پروردگارت برای تجاوزکاران نشانه گذاری شده است. یعنی به وسیله آن سنگ‌ها اسراف کاران را مجازات نمود. البته مجازات الهی در انتظار همه گنه کاران است فرقی نمی‌کند که گناه به چه وسیله‌ی انجام گرفته باشد. امام علی (ع) در این باره فرموده است: «مَنْ لَمْ يُحْسِنِ الْاِقْتِصَادَ أَهْلَكَهُ الْاِسْرَافُ»^(۴)؛ هرکس اقتصاد و میانه روی را در پیش نگیرد، اسراف او را هلاک خواهد کرد. امام علی (ع) فرمود: «لَنْ يَهْلِكَ مَنْ اِقْتَصَدَ»^(۵)؛ هرگز به هلاکت نمی‌رسد کسی که میانه روی کند. یعنی اسراف نکند. و نیز آن حضرت فرمود: «وَسَيَهْلِكُ فِي صِنْفَانِ مُحِبٌّ مُفْرِطٌ يَذْهَبُ بِهٖ الْحُبُّ اِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ مُبْغِضٌ مُفْرِطٌ يَذْهَبُ بِهٖ الْبُغْضُ اِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ خَيْرُ النَّاسِ فِي حَالِا النَّمَطُ الْاَوْسَطُ فَالزَّمُوْهُ»^(۶)؛ به زودی دو گروه نسبت به من هلاک می‌گردند: دوستی که افراط کند و به غیر حق کشانده شود و دشمنی که در کینه‌توزی با من زیاده‌روی کرده و به راه باطل در آید. بهترین مردم نسبت به من گروه میانه رو هستند از آن‌ها جدا نشوید.

^۱ - کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۴، ص ۵۵. چاپ چهارم. تهران:

دار الکتب اسلامیة.

^۲ - انبیاء، (۲۱)، ۹.

^۳ - ذاریات، (۵۱)، آیه ۳۴.

^۴ - لیلی و اسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للیلی) - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش.

^۵ - لیلی و اسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش). عیون الحکم و المواعظ (للیلی)، ح ۶۹۰۵، ص ۴۰۸. چاپ اول. قم: دار الحدیث.

^۶ - شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغة (للصباحی صالح)، حکمت ۱۲۷، ص ۱۸۴. چاپ اول. قم: نشر

۵. **کشتار:** یکی دیگر از آثار اسراف و تبذیر کشتار مردم است. عده‌ای برای رسیدن به امیال نفسانی دست به هر جنایتی می‌زنند؛ و به راحتی خون انسان‌های بی گناه را می‌ریزند و اموال آن‌ها را به غارت می‌برند، تا موقعیت خویش را تثبیت کنند، چنانکه خدای سبحان می‌فرماید: «وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ»^(۱)، و به راستی که فرعون در روی زمین طغیانگر (در خونریزی) از اسراف کاران است. امام باقر (ع) فرمود: «الْمُسْرِفُونَ هُمُ الَّذِينَ يَسْتَحِلُّونَ الْمَحَارِمَ وَيَسْفِكُونَ الدِّمَاءَ»^(۲)؛ اسراف کاران کسانی هستند که محرمات الهی را حلال می‌کنند و خون می‌ریزند.

۶. **غفلت قلب:** یکی از چیزهای که انسان را از یاد خدا غافل می‌کند اسراف گرای و خوش گذرانی است؛ و هر قلب که از یاد خدا غافل باشد آن قلب به منزله مرده است؛ و لذا پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «ارْبَعٌ يُمِتُّنَ الْقُلُوبَ... وَ مُجَالَسَةُ الْمُؤْتِي؛ فَقِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَا الْمُؤْتِي؟ قَالَ: كُلُّ غَنِيٍّ مُتْرَفٍ»^(۳)، چهار چیز قلب را می‌میراند... از جمله هم‌نشینی با مردگان، عرض کردند: ای رسول خدا! مردگان کیانند؟ فرمود: ثروتمندان اسراف کار.

ب. آثار معنوی

۱. **خشم خداوند:** اسراف کاران، از طرف منابع و اموال (اعم از عمومی و خصوصی) را از بین می‌برند و در نتیجه و موجب تضييع حقوق دیگران می‌شوند؛ و از طرف دیگر تعادل اقتصادی و امنیتی جامعه را برهم می‌زنند، که در نتیجه خشم الهی را در پی دارد، و لذا خدای سبحان می‌فرماید: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»^(۴)؛ و اسراف نکنید، که خدا مسرفین را دوست نمی‌دارد. پیامبر اسلام (ص) فرمود: «إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ عَن قَيْلٍ وَقَالَ وَ إِضَاعَةَ الْمَالِ وَ كَثْرَةَ السُّؤَالِ»^(۵)؛ من از بگو و مگو و تباه کردن دارایی و خواهش بسیار

^۱ - یونس، (۱۰)، آیه ۸۳.

^۲ فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ ق). تفسیر الصافی. تحقیق: اعلمی، حسین، ج ۳، ص ۳۱. چاپ دوم. تهران: مکتبه الصدر.

^۳ - ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲ ش). الخصال. تحقیق: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص ۲۲۸. چاپ اول قم: جامعه مدرسین.

^۴ - انعام، (۶)، آیه ۱۴۱.

^۵ - ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۳۸۵ ق). دعائم الإسلام. تحقیق: فیض، آصف، ج ۳، ص ۶۶. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل

کراهت دارم. امام صادق (ع) در این باره فرمود: «وَإِنَّ السَّرْفَ أَمْرٌ يُبْغِضُهُ اللَّهُ حَتَّى طَرَحَكَ النَّوَاةَ فَإِنَّهَا تَصْلُحُ لِلشَّيْءِ وَحَتَّى صَبَّكَ فَضْلَ شَرَابِكَ»^(۱)؛ اسراف و زیاده‌روی، کاری است که خداوند آن را دوست ندارد، حتی هسته خرما را اگر فایده ای داشته باشد نباید دور انداخت و باقیمانده آبی را که می‌نوشیم نباید دور بریزیم. امام رضا (ع) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبْغِضُ الْقِيلَ وَالْقَالَ وَ إِضَاعَةَ الْمَالِ وَ كَثْرَةَ السُّؤَالِ»^(۲)؛ بی‌شک خداوند بگو و مگو و تباه کردن دارایی و بسیاری سئول را دوست ندارد.

۲. محرومیت از هدایت: کسانی که با رفتار و گفتارش حقوق دیگران را ضایع می‌کنند و امنیت دیگران را به خطر می‌اندازند و دیگران را به سمت اسراف معصیت می‌کشانند، که در نتیجه موجب خشم خداوند می‌شود خدای سبحان توفیق هدایت را از آن‌ها سلب می‌کند، قلبشان را بر اثر این اعمال، تاریک و ظلمانی می‌گرداند؛ و این نتیجه اعمال خود آن‌ها است. چنانکه خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ»^(۳)؛ همانا خداوند کسی را که اسراف کار و دروغ گو است هدایت نمی‌کند؛ و نیز می‌فرماید: «كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ»^(۴)؛ این‌گونه خدا هر اسراف‌کار تردید کننده‌ای را گمراه می‌کند.

۳. کیفر اخروی: کیفر افرادی که از حدود الهی تجاوز کرده و اوامر و نواهی خدا را نادیده بگیرند، عذاب اخروی است. خدای سبحان در این باره می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى»^(۵)؛ و این‌گونه جزا می‌دهیم کسی را که اسراف کند و ایمان به آیات پروردگارش نیابد و عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است. «وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ»^(۶)؛ و حتماً اسراف‌کاران اهل دوزخ خواهند بود. امام علی (ع) فرمود: «وَ النَّارُ غَايَةُ الْمُفْرَطِينَ»^(۷)؛ سرانجام افراد تندر، آتش جهنم است.

^۱ - کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۴، ص ۵۲. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب اسلامیة.

^۲ - کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۵، ص ۳۰۱. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب اسلامیة.

^۳ - غافر، (۴۰)، ۲۸.

^۴ - غافر، (۴۰)، ۳۴.

- طه، (۲۰)، ۱۲۷.

^۶ - غافر، (۴۰)، آیه ۴۳.

^۷ - شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه (للصباحی صالح)، خطبه ۱۵۷، ص ۲۲۱. چاپ اول. قم: نشر هجرت.

۴- حقارت در نزد خدا: هر عملی دو نوع اثر دارد، ظاهری و واقعی، گاهی هردو اثر مطلوب است، مثل سخاوت، عدالت و شجاعت؛ و گاهی هردو اثر نا مطلوب است مثل ظلم؛ و گاه اثر ظاهری مطلوب است و اثر واقعی نا مطلوب و گاهی هم برعکس است. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ وَهُوَ ذِكْرٌ لِصَاحِبِهِ فِي النَّاسِ وَ يَضَعُهُ عِنْدَ اللَّهِ» (۱)؛ بذل مال به کسی که حق او نیست تبذیر و اسراف است. این کار اگر چه بخشنده را در میان مردم معروف می‌کند، و در نزد خدای تعالی او را پست می‌گرداند. یعنی اثر ظاهری مطلوب است اما اثر واقعی نامطلوب. خدای سبحان می‌فرماید: «إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ» (۲). اسراف‌کاران با شیاطین برادرند. یعنی همان گونه که شیطان در نزد خدا حقیر است و مورد غضب خدا قرار گرفت، اسراف‌کاران نیز در نزد خدا حقیر است و خدا آن‌ها را دوست ندارد.

۵. سلب اجابت دعا: بعضی از افعال است که موجب سلب اجابت دعا می‌شود از جمله اسراف، پیامبر اکرم (ص) فرمود: «إِنَّ أَصْنَافًا مِنْ أُمَّتِي لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعَاؤُهُمْ... وَ رَجُلٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا كَثِيرًا فَأَنْفَقَهُ ثُمَّ أَقْبَلَ يَدْعُو يَا رَبِّ ارْزُقْنِي فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَلَمْ أَرْزُقْكَ رِزْقًا وَاسِعًا فَهَلَّا اقْتَصَدْتَ فِيهِ كَمَا أَمَرْتُكَ وَ لِمَ تُسْرِفُ وَ قَدْ نَهَيْتُكَ عَنِ الْإِسْرَافِ» (۳)؛ گروه‌هایی از امت من دعایشان مستجاب نمی‌شود... و مردی که خداوند مال فراوانی روزی او سازد، و او آن مال را خرج (ولخرجی) کند، سپس رو به دعا آورد و بگوید: پروردگارا به من روزی بده، خداوند بزرگ به چنین کسی می‌فرماید مگر به تو روزی گسترده ندادم، چرا چنان که به تو امر کرده بودم میانه روی نکردی و به اسراف پرداختی، در صورتی که من تو را از اسراف نیز نهی کرده بودم. امام صادق (ع) فرمود: «رَجُلٌ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَالًا فَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُ ارْزُقْنِي فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُ» (۴)؛ مردی که خدا مالی به او عطا کند، و او آن را در غیر جای شایسته خود به مصرف رساند، و از خدا طلب روزی کند، دعایش مستجاب نمی‌شود. امام صادق (ع) فرمود: «أَرْبَعَةٌ لَا تُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ... وَ رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَفْسَدَهُ فَيَقُولُ اللَّهُ ارْزُقْنِي فَيَقَالُ لَهُ أَلَمْ أَمُرْكَ بِالْإِقْتِصَادِ، أَلَمْ أَمُرْكَ بِالْإِصْلَاحِ» (۵)؛ چهار دسته هستند که دعایشان مستجاب

^۱ تقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، (۱۴۱۰ ق). الغارات، تحقیق: حسینی، عبدالزهراء، ج ۱، ص ۴۹. چاپ اول. قم: دار الکتب الاسلامی.

^۲ - اسراء، (۱۷)، آیه ۲۷.

^۳ - کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۵، ص ۶۷. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامی.

^۴ - همان، ج ۲، ص ۵۱۰.

^۵ - کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ ق). الکافی، ج ۴، ص ۳۹۴. چاپ اول. قم: دار الحدیث.

نمی‌شود... و مردی که مالی داشته که آن را ضایع کرده و می‌گوید: خدایا به من روزی بده، به او گفته می‌شود: آیا تو را به میانه روی امر نکردم؟ آیا به تو دستور اصلاح (در مال) را ندادم.

۵. عوامل اسراف گرای

برای مبارزه با یک پدیده ناپسند و مذموم باید در ابتدا علل و عوامل آن شناسایی و مورد بررسی قرار گیرد و سپس اقدام بر دفع و رفع آن علل شود. پدیده اسراف گرای مثل هر پدیده مذموم دیگر دارای علل است، که در ذیل به بعضی از علل و عوامل آن اشاره می‌گردد:

۱. **جهل:** به طور کلی عامل بسیار از رفتارهای ناپسند و زشت از جمله اسراف، جهل و نادانی به عواقب خطرناک و آثار زیان بار آنها است خداوند در قرآن کریم پس از آن که قوم لوط را مردمانی اسراف‌کار معرفی می‌نماید: «أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ» (۱). در جای دیگر انگیزه اسراف کاری آنان را نادانی مطرح می‌کند و می‌فرماید: «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (۲)، شما قوم جاهل هستید. امام علی (ع) در این باره فرموده است: «لَا يُرَى الْجَاهِلُ إِلَّا مُفْرَطًا» (۳)؛ نمی‌بینی افراد نادان را مگر در حال زیاده‌روی.

۲. **تفاخر:** پیامبر اسلام (ص) فخر فروشی را یکی از علائم افراد اسراف‌کار می‌داند و می‌فرماید: «أَمَّا عَلَامَةُ الْمُسْرِفِ فَأَرْبَعَةٌ الْفَخْرُ بِالْبَاطِلِ وَ يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَأْكُلُ مَا لَيْسَ عِنْدَهُ» (۴) برای مسرف چهار علامت است: فخر به باطل، خریدن، پوشیدن و خوردن چیزی که در شأنش نیست. امام علی (ع) نیز به همین عامل اسراف و زیاده‌روی اشاره دارد و می‌فرماید: «مَنْ افْتَخَرَ بِالتَّبْدِيرِ احْتَقَرَ بِالْأَفْلَاسِ» (۵)؛ کسی که به زیاده‌روی افتخار و خود نمایی کند، با تنگدستی خوار و زبون می‌گردد.

۱- اعراف، (۷) آیه ۸۱.

۲- نمل، (۲۷) آیه ۵۵.

۳- لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش). عیون الحکم و المواعظ (للیثی). تحقیق: حسنی بیرجندی، حسین، ح ۹۹۹۱، ص ۵۳۹. چاپ اول. قم: دار الحدیث.

۴- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. تحقیق: غفاری، علی اکبر، ج ۳، ص ۱۶۷، چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۵- لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش). عیون الحکم و المواعظ (للیثی). تحقیق: حسنی بیرجندی، حسین، ح ۴۸۵۲، ص ۴۶۴. چاپ اول. قم: دار الحدیث.

۳. فساد اخلاقی: اشخاص اسراف کار همواره برای خود خواهی و ارضای تمایلات نفسانی خود دست به تکبر، معصیت، خوش گذرانی و اسراف می‌زنند، و محرمات الهی را جایز می‌شمارند، چنانکه امام باقر (ع) می‌فرماید: «الْمُسْرِفُونَ هُمُ الَّذِينَ يَسْتَحِلُّونَ الْمَحَارِمَ وَيَسْفِكُونَ الدِّمَاءَ» (۱)، اسراف کنندگان کسانی هستند که محرمات «گناهان» را جایز می‌شمارند و خون هار می‌ریزند.

قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ» (۲)، به درستی که فرعون در روی زمین استکبار ورزید و همانا او از اسراف پیشگان بود؛ و بازمی‌فرماید «إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ» (۳) و همانا فرعون برتری جو و از اسراف‌کاران بود.

این دو آیه دلالت بر این دارند که فرعون در استکبار ورزی و معصیت کاری (که از صفات ناپسند اخلاقی است) زیاده‌روی و اسراف می‌کرد، و از این طریق به حقوق و اموال عمومی و شخصی مردم تجاوز، بهره جوی و اسراف می‌نمود.

۶. در مان اسراف گرای

برای رفع بسیاری از مشکلات اجتماعی از جمله اسراف گرای توجه به سه امر لازم است:

۱. آموزش دانش دینی در جامعه

به طور کلی عامل بسیار از رفتارهای ناپسند و زشت از جمله اسراف، جهل و نادانی به عواقب خطرناک و آثار زیان بار آنها است، که اگر انسان عالم به عواقب شوم بعضی از افعال باشد آن افعال را ترک می‌کند، اگر مردم بدانند که اسراف چقدر ضرر و زیان مادی و معنوی دارد، به سمت اسراف نمی‌رود و از اسراف گرای دوری می‌کند. اگر انسان بداند که شیطان از دشمنان سرسخت اوست و همیشه در پی گمراه کردن اوست و حتی قسم یاد کرده است که تا او را گمراه نکند ساکت ننشیند، «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (۴). هرگز با شیطان طرح دوستی و برادری نمی‌بندد و هرگز در گفتار و عمل او را همراهی نمی‌کند، اما خدای سبحان می‌فرماید: «إِنَّ

^۱ فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ ق). تفسیر الصافی. تحقیق: اعلمی، حسین، ج ۳، ص ۳۱. چاپ دوم. تهران:

مکتبه الصدر

^۲ - یونس، (۱۰)، آیه ۸۳.

^۳ - دخان، (۴۴)، ۳۱.

^۴ - ص، (۳۸)، آیه ۸۲.

الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ» (۱). اسراف کاران با شیاطین برادرند. خدای سبحان پس از آن که قوم لوط را مردمانی اسراف کار معرفی می‌نماید: «أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ» (۲). در جای دیگر انگیزه اسراف کاری آنان را نادانی مطرح می‌کند و می‌فرماید: «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (۳)، شما قوم جاهل هستید. شکی نیست که آگاهی دادن، به آثار زیان بار اسراف از لحاظ روحی تحول بزرگی در انسان جهت دوری از اسراف گرای و مبارزه با اسراف گرای ایجاد خواهد کرد .

۲. تقویت ایمان مردم به خدا

کسی که به خدا ایمان دارد، چنین کسی دارای نیروی بسیار قوی است که به وسیله این نیرو می‌تواند در مقابل سختی‌ها و دشواری‌ها و پدیده‌های شوم مثل اسراف و تبذیر مقابله می‌کند. چنانکه پیامبر اسلام (ص) فرمود: «سه چیز است که در هر که باشد صفات ایمان در او کامل است آنکه وقتی خشنود شد به باطل نگراید و وقتی خشمگین شد از حق تجاوز نکند و وقتی قدرت یافت به مال دیگران دست نبرد» (۴). گرایش به باطل، و تجاوز از حق و دست درازی به اموال دیگران، از صفات اسراف کاران است؛ و با تقویت نیروی ایمان در انسان، دیگر انسان به این بیماری مبتلا نمی‌شود. امام صادق (ع) فرمودند که یکی از صفات مؤمن آن است که «صِفَةُ الْمُؤْمِنِ... لَا يَبْدُرُ وَلَا يُسْرِفُ» (۵)؛ یکی از صفات مؤمن این است که اسراف و تبذیر نمی‌کند.

۳. آموزش اخلاق اسلامی در جامعه

خُلُق در لغت به مجموعه صفات روحی، باطنی گفته می‌شوند، (۶)، که انسان را به انجام کاری ترغیب می‌کند، بدون این که نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد. این صفات روحی و باطنی در تمام افراد وجود دارند، ولی بر اثر تمرین و تربیت می‌توان آن صفات را تقویت و یا تضعیف نمود. صفات روحی و باطنی بر دو قسم است، یکی پسندیده و دیگری ناپسند.

۱- اسراء، (۱۷)، آیه ۲۷.

۲- اعراف، (۷) آیه ۸۱.

۳- نمل، (۲۷) آیه ۵۵.

۴- پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲ ش). نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ح ۱۲۷۵، ص ۴۲۰. چاپ چهارم. تهران: دنیای دانش.

۵- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲ ش). الخصال. تحقیق: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۵۷۱. چاپ اول. قم: جامعه مدرسین.

۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ ش) مفردات الفاظ قرآن. چاپ دوم. تهران: مرتضوی. قرشس، علی اکبر، (۱۳۷۱ ش). قاموس قرآن. چاپ ششم. تهران: دار الکتب الاسلامی.

صفات پسندیده در اسلام عبارتند از: صداقت، امانت، شجاعت، عدالت، سخاوت، استقامت، غیرت، همت، تقوی، تعاون، محبت، مهربانی، شادابی و تحرک، نظم انضباط، مبارزه با فساد، نظافت و پاکیزگی، میانه روی، تدبیر و تفکر، مدارا و گذشت و...، اگر این صفات و فضائل اخلاقی در انسان به وجود آید، دیگر به اسراف گرای تمایل پیدا نمی‌کند، چون بسیار از این صفات با اسراف گرای ساز و گاری ندارند.

نتیجه گیری

مهم‌ترین یافته‌های این مقاله به شرح ذیل است:

۱- اسراف در لغت اسراف در لغت، معنی وسیعی دارد که شامل، هرگونه زیاده‌روی و تجاوز از حد اعتدال و گرایش به سوی افراط اسراف است. اسراف در قرآن در موارد ذیل به کار رفته است، «زیاده‌روی در معصیت» «زیاده‌روی در انفاق» «زیاده‌روی در خوردن و آشامیدن» «زیاده‌روی در کار». اسراف در روایات، هر نوع زیاده‌روی و ضرر مالی و جانی، از اسراف دانسته شده است. تبذیر، پراکندن مال از روی اسراف است و ریشه آن پاشیدن بذر است.

۲- تفاوت میان تبذیر و اسراف در این است که اگر مال در مواردی سزاوار نیست مصرف شود تبذیر است؛ چون معنای تبذیر تضييع مال است؛ ولی مصرف مال در مواردی که بیشتر از حد نیاز است، اسراف به شمار می‌رود؛ زیرا اسراف به معنای تجاوز از حد است. البته این دو کلمه در یک معنی نیز به کار می‌رود.

۳- در یک تقسیم بندی کلی می‌توان اسراف را بر دو دسته اسراف در امور مالی و اسراف در امور غیر مالی تقسیم نمود. امور مالی خود بر دو قسم اموال عمومی (بیت المال) و اموال غیر عمومی (خصوصی) است. امور غیر مالی نیز خود بر دو قسم اعتقادی و اخلاقی است.

۴- در آیات و روایات برای اسراف کاران اوصاف بیان شده است که عبارتند از: در تشخیص ناتوانند، اهل فسادند، منافقند، معصیت کارند، شیطان صفتند، تکذیب کننده انبیا اند و به باطل فخر می‌کنند.

۵- به طور کلی آثار اسراف بر دو نوع مادی و معنوی متصور است، که هر کدام دارای مصادیق است، مصادیق مادی مثل: زیان‌های جسمی، فقر، کاهش برکت، هلاکت و غفلت قلب. مصادیق معنوی عبارتند از: خشم خدا، محرومیت از هدایت، ضلالت و گمراهی، حقارت در نزد خدا و سلب اجابت دعا.

۶- پدیده اسراف گرای مثل هر پدیده مذموم دیگر دارای علل است، و سه علت اصلی اسراف گرای عبارتند از: جهل، تفاخر، فساد اخلاقی.

۷- برای رفع بسیاری از مشکلات اجتماعی از جمله اسراف گرای توجه به این سه امر لازم است آموزش دانش دینی در جامعه، تقویت ایمان مردم به خدا و آموزش اخلاق اسلامی در جامعه.

در پایان با توجه به آثار زیان بار مادی و معنوی اسراف، شایسته است که هر مسلمانی، مواظب تمام اعمال اجتماعی و فردی خود باشد تا در هیچ کار حتی کارهای حلال، گرفتار این پدیده مذموم نشود.

منابع

- ۱- قرآن.
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، (؟). لسان العرب. چاپ سوم: بیروت: دار صادر.
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲ ش). الخصال. تحقیق: غفاری، علی اکبر، چاپ اول قم: جامعه مدرسین.
- ۴- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. تحقیق: غفاری، علی اکبر. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۵- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۳۸۵ ق). دعائم الإسلام. تحقیق: فیض، آصف. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل البيت.
- ۶- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ ق). (تحف العقول. تحقیق: غفاری، علی اکبر. قم: جامعه مدرسین.
- ۷- پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲ ش). نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله). چاپ چهارم. تهران: دنیای دانش.
- ۸- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶ ش). تصنیف غررالحکم و درر الکلم. تحقیق: درایتی، مصطفی. چاپ اول. تهران: دفتر تبلیغات.
- ۹- ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، (۱۴۱۰ ق). الغارات، تحقیق: حسینی، عبدالزهراء. چاپ اول. قم: دار الکتاب الإسلامی.
- ۱۰- شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه (للصبحی صالح)، چاپ اول. قم: نشر هجرت.
- ۱۱- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵). مجمع البحرين. چاپ سوم. تهران: مرتضوی.
- ۱۲- فراهیدی، خلیل بن احمد، (؟). کتاب العین. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.
- ۱۳- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ ق). تفسیر الصافی. تحقیق: اعلمی، حسین. چاپ دوم. تهران: مکتبه الصدر.
- ۱۴- قرشس، علی اکبر، (۱۳۷۱ ش). قاموس قرآن. چاپ ششم. تهران: دار الکتب الاسلامی.
- ۱۵- قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبه الله، (۱۴۰۷ ق). الدعوات (للاراوندی) سلوة الحزین، چاپ اول. قم: انتشارات مدرسه امام مهدی (عج).

- ۱۶- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، چاپ چهارم. تهران: دار الکتب اسلامیة.
- ۱۷- لیشی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش). عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، چاپ اول. قم: دار الحدیث .
- ۱۸- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق). (بحار الأنوار. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۹- مصطفوی، حسن، (?). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. چاپ سوم بیروت-قاهره-لندن: دار الکتب العلمیة - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- ۲۱- نصر بن مزاحم، (۱۴۰۴ ق). وقعة صفین. تحقیق: هارون، عبدالسلام محمد. چاپ دوم. قم: مکتبه آیة الله المرعشی النجفی.
- ۲۲- ورام بن ابي فراس، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ ق). مجموعه ورام. چاپ اول. قم: مکتبه فقیه.